

رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت! (شماره ۱۴۱)

۳۰/۱۲/۱۳۹۵ الی ۲۳/۱۲/۱۳۹۵

خلاصه‌ای از مهمترین فعالیت‌های رادیو فردا در آخرین روزهای سال ۱۳۹۵ در قالب یکصد و چهل و یکمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز مورد بررسی قرار گرفته است ...

رادیو دیروز گزارش می‌دهد؛

هفته و روزهای پایانی سال ۱۳۹۵ با دربرگرفتن روز مادر به هفته‌ای برای قدردانی از جایگاه والای این سازنده جامعه تبدیل شده است و بر همین اساس نیز فعالیت‌های رسانه‌ای در این هفته بیش از پیش متوجه این روز و موضوعات مربوط به زنان بوده است که رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا نیز در همین راستا، به بهره‌برداری‌های خاص خود از این گونه موضوعات پرداخته است.

در همین راستا، رادیو دیروز با تنظیم و انتشار مجله‌ای هفتگی که در قالب سری گزارشاتی با عنوان "رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!" ضمن این که به طور خلاصه بخشی از برنامه‌ها و گزارش‌های این رسانه فارسی زبان وابسته به دولت آمریکا را مورد بررسی قرار می‌دهد، تلاش کرده است تا واقعیت را برای مخاطبین خود بازگو کند.

بر این اساس، آن چه در ادامه مطالعه خواهید کرد، یکصد و چهل و یکمین شماره از این مجله هفتگی رادیو دیروز است که به بررسی بخشی از فعالیت‌های رادیو فردا در طول چهارمین هفته از اسفند ماه سال ۱۳۹۵ (۲۴ الی ۳۰ اسفند ماه ۱۳۹۵) پرداخته است.

شما مخاطبین گرامی می‌توانید در یکصد و چهل و یکمین شماره مجله هفتگی رادیو دیروز، بررسی موضوعاتی مختلف از قبیل بررسی وضعیت زنان ایرانی از دید زره بین رادیو فردا، بهره‌برداری از احساسات ناب مادرانه برای دفاع از یک خائن، دوگانه گویی این رسانه آمریکایی برای دفاع همزمان از مجرم و قربانی، گزارش رادیو فردا از آرامش یک مرتد در آغوش اسرائیل، تلاش برای تبدیل کردن دست‌های چندی آمریکا به دست پر محبت برای ملت فلسطین، ناکامی‌های رسانه‌های آمریکایی در پروژه‌های نظرسنجی از مخاطبین و ... را مورد مشاهده نمایید.

رادیو فردا و هفته‌ای برای زنان

آخرین هفته از سال ۱۳۹۵ به دلیل قرار گرفتن میلاد پر برکت حضرت زهرا (س)، به نوعی به هفته‌ای برای زنان تبدیل شده بود؛ به گونه‌ای که حتی در اکثر فعالیت‌های رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا نیز در این هفته می‌توان توجه به موضوعات مربوط به زنان را مشاهده کرد.

از همین رو، بخش قابل توجه این شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز را نیز ما به موضوعات مرتبط با زنان اختصاص داده‌ایم که در ادامه آن را مشاهده خواهید کرد.

وضعیت زنان از ایران تا آمریکا

راديو فردا همواره در موضوعات مختلف و با بهانه‌هایی مختلف به سیاه‌نمایی در خصوص وضعیت زنان در ایران پرداخته است. گاهی شاهد دفاع همه‌جانبه این رسانه صهیونیستی - آمریکایی از حقوق ضایع شده زنان در کشورمان بوده‌ایم و گاهی شاهد دلسوزی‌های بیش از اندازه و دوستی‌های خاله‌خرسه این مجموعه در قبال این قشر از جامعه ایرانی هستیم.

در همین راستا، رسانه فارسی زبان وابسته به کاخ سفید در آخرین روزهای سال ۱۳۹۵ با انتشار گزارشی به طور کلی وضعیت زنان در ایران را در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده و در شرایطی که وضعیت زنان در آمریکا را به درستی ندیده است، با دیدی ذره‌بینی این حوزه در کشورمان را هدف سیاه‌نمایی خود قرار می‌دهد.

راديو فردا در گزارش خود با پرداختن به "اطلس وضعیت زنان" در ایران و با تأکید بر وضعیت زنان در استان سیستان و بلوچستان و البته وضعیت اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی زنان در کشورمان، می‌آورد: «وضعیت زنان در استان سیستان و بلوچستان از چند جنبه در ایران رکورددار است؛ از نظر تعداد زنانی که هوو دارند، قبل از ۱۸ سالگی زایمان می‌کنند، در هفته حتی یک بار هم به هیچ رسانه‌ای دسترسی ندارند، فاقد آگاهی صحیح درباره چگونگی پیشگیری از ایدز هستند، بالاترین نرخ بی‌سوادی دختران و زنان بالای شش سال ایران در میان آن‌ها دیده می‌شود و استفاده از انواع وسایل جلوگیری از بارداری در میان آن‌ها در پایین‌ترین سطح قرار دارد. ۱۴/۹ درصد زنان در سیستان و بلوچستان، همسرانشان بیش از یک زن دارند، ۱۸/۲۹ درصد از زنان بین ۲۰ تا ۲۴ سال این استان، پیش از ۱۸ سالگی زایمان می‌کنند، ۵۵/۱۶ درصد آن‌ها از هیچ‌گونه روش پیشگیری از بارداری استفاده نمی‌کنند و تنها ۸/۰۵ درصدشان دارای اطلاعات درستی درباره چگونگی پیشگیری از ایدز هستند. علاوه بر این، تنها ۴/۴۷ درصد زنان ۱۵ تا ۵۴ ساله اهل این استان، در هفته دست‌کم یک بار از اینترنت استفاده می‌کنند، ۱۰/۰۱ درصد از آن‌ها در هفته دست‌کم یک بار سراغ رایانه می‌روند و ۸/۳۹ درصدشان در هفته به هیچ رسانه‌ای دسترسی ندارند. شهیندخت ملاوردی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده پیش‌تر درباره وضعیت اشتغال زنان در ایران گفته بود که "رتبه ایران از بین ۱۴۴ کشور در این زمینه رتبه ۱۳۹ است و پس از ایران کشورهایی نظیر عربستان قرار دارند." وی میزان مشارکت اقتصادی زنان در کشور را ۱۳/۳ درصد اعلام و افزوده بود: "زمانی که بحث توانمندی اقتصادی [زنان] را به عنوان چالش مطرح می‌کنیم برخی ... خرده می‌گیرند که قصد بیرون کشیدن زنان از خانه و خانواده را داریم."»

همانطور که گفته شد، راديو فردا این گونه با عینک ذره‌بینی به دنبال مشکلات زنان در ایران می‌گردد و آن‌ها را با بزرگنمایی علیه کشورمان مورد استفاده قرار می‌دهد اما به عنوان یک رسانه دولتی آمریکایی، در مقابل وضعیت زنان در این کشور همواره خود را به کوری زده است.

حضور شخص دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در کاخ سفید که به رئیس‌جمهوری زن سنیز شهرت دارد و انتخابش با اعتراض گسترده زنان در اقشار مختلف جامعه ایالات متحده همراه بوده است، به خوبی گویای وضعیت آشفته این کشور است.

اعتراضات گسترده‌ای که پس از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با حضور هزاران زن و با همراهی زنان کنگره برگزار شد، نشان‌دهنده همین واقعیت است.

جیمی کارتر رئیس‌جمهور سابق آمریکا در کتابی با عنوان "فراخوانی برای اقدام؛ زنان، مذهب، خشونت و قدرت"، ابعاد مختلف تبعیض علیه زنان در این کشور را با توجه به تجربیات عینی خود بیان کرده است که در مقدمه آن نوشته است: "تمام بخش‌های این کتاب مربوط است به تعصب، تبعیض جنسیتی، جنگ، خشونت، تفاسیر تحریف شده از متون دینی، تعرض جسمانی و روانی، فقر و بیماری که به نحو معتدلی به زیان زنان و دختران است."

وی در فصل پنجم کتاب خود با اشاره به نمونه‌های عینی، تأکید کرده است که در سیستم حاکم بر آمریکا نه تنها حقوق زنان نقض می‌شود، بلکه در پی این نقض حقوق، فرصت پیگیری و احقاق حق نیز از آن‌ها صلب شده است.

استفاده ابزاری از احساس مادری برای تیرنه یک مجرم

همان گونه که بیان شد رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا از روش‌های مختلفی برای استفاده ابزاری از زنان در جهت دست یابی به اهدافش بهره برداری کرده است. در همین راستا در این هفته که روز مادر را نیز به همراه داشت، شاهد گزارشی از سوی این رسانه فارسی زبان بودیم که تلاش کرده بود تا با مطرح کردن احساس مادری و دخیل کردن احساسات مخاطبین، وضعیت "نازنین زاغری" مجرم ایرانی - انگلیسی در زندان کشورمان را مورد بررسی قرار داده و بی توجه به واقعیت‌های پرونده وی، از بیگناهی و ظلمی که در ایران بر او می‌شود سخن بگوید.

رادیو فردا در این گزارش با مطرح کردن تئوری سراسر احساسی، از همان آغاز بازی با احساس مخاطبین را دنبال کرده و با این عنوان که «نازنین زاغری: کشوری که به آن افتخار می‌کردیم، طلایی‌ترین روزهای بزرگ شدن دخترمان را از ما گرفت» می‌نویسد: «نازنین زاغری رتکلیف، شهروند ایرانی بریتانیایی زندانی در ایران در نامه‌ای به همسرش در سالگرد ترک بریتانیا و سفر به ایران نوشته است: "کشوری که روزی به آن افتخار می‌کردیم، طلایی‌ترین روزهای بزرگ شدن دخترمان را از هر دویمان گرفت." نازنین زاغری در آغاز این نامه نوشته است: "یک سال از روزی که یکدیگر را در لندن در آغوش کشیده و بوسیدیم و من راهی ایران شدم می‌گذرد. گیسو و من تنها برای سفر دو هفته‌ای اسباب سفر بسته بودیم تا نوروز سال ۱۳۹۵ را در کنار خانواده‌ام در تهران سپری کنیم، سفری که هیچ بازگشتی به خانه نداشت." نازنین زاغری که برای تعطیلات نوروزی به ایران سفر کرده بود، ۱۵ فروردین ماه سال جاری هنگام خروج از ایران از سوی اطلاعات سپاه در فرودگاه امام خمینی تهران بازداشت شد. هم اکنون گیسو، دختر دو ساله نازنین جدا از والدین خود و نزد خانواده مادرش زندگی می‌کند. نازنین زاغری برای بنیاد تامسون رویترز، یک نهاد خیریه که مرکز آن در لندن است کار می‌کرد. این بنیاد از موسسه خبری تامسون رویترز و خبرگزاری رویترز کاملاً مستقل است. خانم زاغری در بخش دیگری از این نامه با اشاره به این "دردناکترین قسمت ماجرا آنجاست که هیچ‌کدام از ما شاهد بزرگ شدن دخترمان نبودیم، هیچ‌یک از ما"، نوشته است: "گیسویمان بزرگ شده و قد کشیده است. او اکنون به خوبی می‌فهمد که پدر و مادرش در کنار یکدیگر نیستند، پدر در لندن و به دور از او، و مادر در اتاقی زندگی می‌کند، اتاق ملاقاتی که تمام این مدت، ما یکدیگر را در آن ملاقات می‌کردیم." خانم زاغری اضافه کرده است: "بی‌عدالتی نهفته در این لحظات با هیچ واژه‌ای قابل توصیف نیست، چه روزهای سختی را پشت سر گذاشته‌ایم و چقدر از هم دور بوده‌ایم اما عشقمان عمیق‌تر از قبل شد."»

اما آیا یک مادر باید به خود اجازه دهد که قانون و حقوق یک ملت را زیر پا بگذارد و با خیانت در جهت براندازی یک حکومت گام بردارد؟!

آیا می‌شود با تکیه بر احساس مادرانه واقعیت‌ها را نادیده گرفت یا از دید سایرین پنهان نگاه داشت؟!

خانم نازنین زاغری تبعه ایرانی- انگلیسی است که در تاریخ ۱۵ فروردین سال جاری توسط نیروهای سازمان اطلاعات سپاه کرمان در فرودگاه امام خمینی در زمان خروج از کشور دستگیر شد، پیش تر بارها به ایران سفر کرده و خارج شده بود، بنابر این، طبیعتاً بی دلیل مورد پیگرد و بازداشت قرار نگرفته است.

بعلاوه بعد از بازداشت برخلاف ادعاهای صورت گرفته در سوئیتی مجزا نگهداری می‌شود که از همه امکانات برخوردار است و در تمام مدت با خانواده خود چه تلفنی و چه حضوری در ارتباط بوده است.

وی در قالب فعالیت در موسسه ای رسانه ای، یکی از سرشبهه های گروه های تلاش برای براندازی نرم حکومت در کشورمان بوده است و تلاش کرده است تا با مدیریت، هدایت و ایجاد شبکه های رسانه ای، در این راستا نقش آفرینی کند.

بنیاد تامسون رویترز، در جای جای جهان به دنبال ترویج دموکراسی از نوعی غربی است که این موضوع در قبال ایران به طور خیلی خاص و با همد براندازی در پوشش جنگ نرم دنبال شده است.

رادیوی همیشه نگران، گاهی برای مجرم گاهی برای قربانی!

در راستای موضوعات بالا که در حوزه زنان به بررسی آن پرداختیم، وقوع حادثه اسیدپاشی برای دو بانوی ایرانی در یکی از شهرهای کشورمان نیز مورد توجه خاص رادیو فردا قرار گرفت و ما شاهد انتشار گزارشی از سوی این رسانه صهیونیستی - آمریکایی بودیم که با پرداختن به این موضوع نشان داد که می شود همزمان هم برای مجرم و عامل جنایت و هم برای قربانیان ابراز نگرانی کرد.

در یکی از گزارش های اخیر خود، از قربانی شدن دو زن ایرانی بر اثر اسیدپاشی خبر داده و به طور ویژه این موضوع را بازتاب داده است. اما جالب این جاست که در یک دوگانگی و تناقض آشکار، از طرفی برای زنان قربانی اسیدپاشی ابراز نگرانی می کند و از طرفی هم در مقابل محاکمه عادلانه عاملان این گونه جرائم خشن به اعتراض ایستاده و حامی و وکیل مدافع این مجرمین است.

در این گزارش رادیو فردا که به موضوع اسیدپاشی در بندر ماهشهر پرداخته، با تلاش برای ناامن نشان دادن کشور برای زنان و البته عدم مجازات قاطعانه مجرمین این گونه جنایات، نوشته شده است: «نیروی انتظامی بندر ماهشهر از اسیدپاشی به دو زن در این شهر بندری در استان خوزستان خبر داد. یک گزارش حاکی از آن است که "یکی از این دو زن باردار بوده است". به گزارش خبرگزاری فارس، جلیل زبیدی، فرمانده انتظامی بندر "ماهشهر"، روز چهارشنبه، ۱۸ اسفند، خبر داد که در یک هفته اخیر "دو زن در پارک پتروشیمی" این شهر "قربانی" اسیدپاشی شدند. آقای زبیدی از "اقدامات گسترده" پلیس به منظور شناسایی و دستگیری "عوامل اسیدپاشی ها" در این شهر خبر داده و گفت که "سرنخ های بسیار خوبی" در این رابطه به دست آمده است. وی افزود که "بدون تردید به زودی عوامل این ناامنی دستگیر و به مراجع قضایی تحویل خواهند شد". با گذشت بیش از ۴۸ ساعت از اعلام این خبر، رسانه ها و نهادهای امنیتی، انتظامی و اطلاعاتی گزارشی از جزئیات این حادثه و شناسایی یا دستگیری عوامل آن ارائه نکرده اند. اسیدپاشی به روی زنان در ایران از مهرماه سال ۱۳۹۳ و در پی اسیدپاشی به شش زن در اصفهان، حساسیت ویژه ای در جامعه ایران پیدا کرده است. این حساسیت از زمانی افزایش یافت که گزارش هایی مبنی بر انگیزه "مذهبی" عاملان حمله با اسید به شش زن در اصفهان منتشر شد و تاکنون نیز هیچیک از عامل یا عوامل این اقدام شناسایی و بازداشت نشدند. هدف عمده اسیدپاشی در ایران را زنان جوانی تشکیل می دهند که با انگیزه های مختلف شخصی یا انگیزه های دیگر از سوی عاملان چنین اقداماتی انتخاب و مورد حمله قرار می گیرند. بنا بر اعلام مقام های قضایی در ایران، نخستین اقدام به اسیدپاشی در کشور در سال ۱۳۳۴ رخ داده و نخستین قانون برای مقابله با این اقدام هم در سال ۱۳۳۷ به تصویب رسیده است. بر اساس قوانین فعلی ایران "اگر اسیدپاشی موجب قتل شود مجازات آن قصاص نفس است" و در غیر این صورت بر اساس ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات می تواند برای عامل چنین اقدامی سه تا ۱۰ سال حبس در پی داشته باشد. در حال حاضر متوسط مجازات اسیدپاشی که امروزه از طرف قضات تعیین می شود با استناد به ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی حدود دو تا پنج سال حبس و پرداخت دیه است.»

این رسانه آمریکایی از طرفی این گونه با هر مورد حادثه اسیدپاشی در هر نقطه ای از ایران و با هر دلیل و واقعییتی، به سرعت وارد عمل شده و نگرانی خود را نشان می دهد و از طرفی وقتی مجرمی در ایران عادلانه به سزای کارش می رسد و مجازات می شود، در نقش وکیل مدافعی برای این مجرم ظاهر شده و محاکمه اش را زیر سوال می برد و مجازاتش را غیر عادلانه، حیوانی و نقض حقوق بشر می داند.

وقتی پای جنایت در میان است رادیو فردا نگران مردم است و مخالف مجرم و با همین سیاست با زیرکی وضعیت امنیت و خشونت در ایران را هدف سیاه نمایی های ناعادلانه خود قرار می‌دهد و وقتی پای اجرای عدالت، اجرای قانون، محاکمه مجرم و مجازاتش در میان باشد، به یک باره تغییر موضع داده و این بار با نادیده گرفتن حقوق مردم، مجرمین را بیگناه توصیف می‌کند و مجازاتشان را نقض حقوق انسان‌ها می‌داند.

در همین گزارش اخیر این رسانه وابسته به کاخ سفید از عدم مجازات کافی، محکم و اثرگذار برای عاملان اسپدپاشی در ایران سخن گفته است، در حالی که در واقعیت مجازات به اندازه کافی و در بالاترین شدت ممکن برای این مجرمین اعمال شده و می‌شود و ما حتی شاهد قصاص چشم در برابر چشم برای این مجرمین بوده‌ایم و در همین زمان باز شاهد بوده‌ایم که رادیو فردا وارد عمل شده و با پرداختن به گزارش‌های نهادهایی به ظاهر بین المللی که دست اویز آمریکا هستند، این گونه مجازات‌ها را به رفتارهای حیوانی تشبیه کرده است.

آن چه که آشکار است، با این رفتار متناقض و دوگانه، رادیو فردا تنها به ریزش مخاطبینش سرعت می‌دهد و آن چه تغییر می‌کند تعداد مخاطبینی است که همچنان فریب خورده به این رسانه غربی اعتماد دارند.

آغوش باز اسرائیل برای یک مرتد!

ما در موضوعات مختلف شاهد حمایت‌های صهیونیست‌ها از هر گونه حرکت ضد اسلامی و ضد ایرانی بوده و هستیم و ارتباط صمیمانه عناصر ضد انقلاب با این رژیم اشغالگر به امری کاملاً معمول و قابل پیش بینی تبدیل شده است.

در همین راستا، این هفته نیز شاهد انتشار گزارشی از سوی رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا بوده‌ایم که با پرداختن به حضور یک خواننده مرتد در تلویویو، از آغوش باز صهیونیست‌ها برای این عنصر فاسد و امنیت او در کنار این اشغالگران خبر داده است.

رادیو فردا در این گزارش با پرداختن به همخوانی شاهین نجفی با آویو گفن در کنسرت تل‌آویو، می‌نویسد: «شاهین نجفی خواننده ایرانی مقیم آلمان با آمدن به اسرائیل و حضور در یک کنسرت بزرگ در تل‌آویو، در کنار خوانندگان اسرائیلی و جهانی، یک سنت شکنی دیگر کرد. شاهین نجفی که خود از سال‌ها پیش، به خاطر آهنگ "آی نفی" به مرگ تهدید شد، پنجشنبه شب دوازدهم اسفند در کنسرتی با میزبانی آویو گفن خواننده مشهور اسرائیلی شرکت کرد. آویو گفن کنسرت سالیانه راک خود را با شرکت شماری از خوانندگان پرآوازه اسرائیلی و نیز خوانندگان مهمان برگزار کرده بود. شش هزار اسرائیلی اکثراً جوان که ایستاده کنسرت را نظاره و با خوانندگان همصدایی می‌کردند، مخاطبین این رویداد هنری بودند. آویو گفن پیش از ورود شاهین به صحنه از آشنایی خود با نام و کارهای شاهین در جریان سفرهایش به آلمان سخن گفت و یادآور شد که اولین دیدار با شاهین را به خواسته این هنرمند ایرانی، نه در آلمان که در ایتالیا انجام داد. آویو به مخاطبانش گفت که "در مقایسه با من، شاهین یک هنرمند واقعی و به راستی بزرگ است." او گفت، شاهین در روز ورود به اسرائیل هیجان‌زده بوده و احساس امنیت کرده است. به گفته آویو گفن، این که در این شرایط زمانی، اسرائیل میزبان یک هنرمند ایرانی می‌شود نشان از دموکراسی واقعی در اسرائیل دارد. شاهین با موهای جمع کرده، لباس سیاه و در حالی که آویو گفن در کنارش گیتار می‌نواخت، به روی صحنه آمد و آن دو با خواندن ترانه "بوکر توو ایران" (صبح بخیر ایران) مورد استقبال گسترده قرار گرفتند. آویو و شاهین در زمان اجرای ترانه اسرائیلی دیگر با "عاد شه یهیه توو" (تا که وضع خوب بشه) یکدیگر را در آغوش گرفتند و در پایان ترانه نیز این صمیمیت را برای لحظاتی طولانی نشان دادند؛ شاهین آویو را "برادر" نامید و فریاد تشویق اسرائیلی‌ها به آسمان بلند شد. شاهین در این اجرا به فارسی می‌خواند اما کلمات و جملاتی از دو ترانه را به عیری ادا می‌کرد. هنگامی که شاهین نجفی از بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ و سایر سیاستمداران جهان خواست از ایجاد جدایی میان ملت‌ها خودداری کنند، با فریادهای طولانی و مثبت حاضران تشویق شد.»

این در حالی است که بررسی سابقه فعالیت‌های او چه در زمانی که داخل ایران حضور داشت و چه پس از فرار به آلمان نشان می‌دهد که چندان فاصله ای بین تفکرات او و تفکرات صهیونیسم وجود ندارد و این طبیعی است که یک اسرائیلی را برادر خود دانسته و در بین صهیونیست‌ها احساس امنیت کند؛ هر چند او درست صهیونیست‌ها را نشناخته است و باید بداند که تا وقتی به یک مهره سوخته تبدیل نشده باشد، در میان آن‌ها امنیت خواهد داشت و در غیر این صورت، باید منتظر خنجرهایی که همین برادران اسرائیلی از پشت به او می‌زنند هم، باشد.

دوران حضور شاهین نجفی در ایران با فعالیت‌های غیر قانونی چه در عرصه سیاسی و در دانشگاه و چه در عرصه موسیقی با فعالیت زیرزمینی درامیخته است و پس از حضور در آلمان هم فعالیت‌های او گویای همین عقاید سیاسی و فکری خائنانه است.

اما گذشته از همه آثار ضد ایرانی‌اش، آن چه بیش از همه قلب ملت ایران را به درد آورده و نفرت را از او به اوج رسانده است، آهنگی با عنوان "نقی است" که در آن اشکارا چه در تصویر و چه در متن شعر، به صاحت مقدس امام زمان (عج) و امام علی نقی الهادی (ع) و همچنین حضرت رضا (ع) توهین می‌کند و مدعی می‌شود که این اهانت‌ها تنها برای بیان انتقاد به وضعیت داخلی ایران است.

در پی این اهانت‌های آشکار، حکم ارتداد او از سوی مراجع تقلید صادر شده است و طبیعی است که پس از صدور این حکم و با توجه به تفکرات خائنانه‌اش، جایی جز آغوش اسرائیل برایش امن نخواهد بود.

گزارش رادیو فردا از دست دوستی آمریکا به سمت فلسطین!

ایالات متحده آمریکا همواره در کنار رژیم اشغالگر صهیونیستی در تمامی حوزه‌ها حضور فعال و غیر قابل انکار داشته است، به طوری که می‌توان دست‌های آمریکا را نیز آلوده در خون مردمان فلسطینی که توسط اسرائیل به زمین ریخته شده و می‌شود، دانست.

اما با همه این وجود پس از آغاز به کار دونالد ترامپ، در کاخ سفید، رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا تلاش کرده است تا با انتشار گزارشی ضمن اعلام خبر دعوت محمود عباس، مسئول تشکیلات خودگردان فلسطین به کاخ سفید توسط رئیس جمهوری جدید آمریکا، این کشور را بی طرف و حامی صلح نشان داده و از دست دوستی آمریکا به سمت مردم فلسطین سخن بگوید.

رادیو فردا در گزارشی که در این هفته و به این منظور منتشر کرده است، می‌آورد: «سخنگوی رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی روز جمعه ۲۰ اسفند اعلام کرد که رئیس‌جمهوری آمریکا در تماس تلفنی با محمود عباس از او برای دیدار از ایالات متحده دعوت کرده، و شان اسپایسر، سخنگوی کاخ سفید، هم در جریان نشست خبری‌اش این خبر را تأیید کرد. به گزارش خبرگزاری رویترز، نیل ابوردینه سخنگوی رییس تشکیلات خودگردان فلسطینی گفت: "دونالد ترامپ از محمود عباس برای دیدار از کاخ سفید دعوت کرده است تا راه‌های از سرگیری روند سیاسی را مورد بحث قرار دهند و بر تعهدش به روند صلح که صلح واقعی بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها را به ارمغان بیاورد تأکید کرد." مقام‌های فلسطینی اشاره کرده‌اند که محمود عباس در تماس با دونالد ترامپ نگرانی‌اش درباره ساخت‌وسازهای اسرائیل در مناطق اشغالی را منتقل کرده و خواستار پیگیری راه حل دو کشور برای حل منازعه میان اسرائیل و فلسطینی‌ها شده است. رئیس‌جمهوری آمریکا در جریان کنفرانس خبری مشترک با نخست‌وزیر اسرائیل در روز ۱۵ فوریه موضعی دوپهلو درباره سیاست تشکیل دو کشور فلسطینی و اسرائیلی اتخاذ کرد، و این در حالی است که واشینگتن طرف دو دهه گذشته موضع روشنی در این زمینه داشته است. آقای ترامپ گفت: "من، هم راه حل دو کشور و هم یک کشور را مدنظر دارم... و آن راه‌حلی را دوست دارم که طرفین به آن تمایل داشته باشند... با هر دو کنار می‌آیم." به گزارش رویترز، این موضع موجی از بهت و حیرت در جهان عرب و بسیاری از پایتخت‌های اروپایی برانگیخت، و در عین حال اندکی پس از آن نیکی هیللی نماینده آمریکا در سازمان ملل تأکید کرد که کشورش "کاملاً" از راه حل دو کشور حمایت می‌کند.»

اما آیا می‌شود هم از توبره خورد و هم از سر در آخور داشت؟! آری اگر آمریکا باشی همه این‌ها ممکن می‌شود.

ایالات متحده با وقاحت در کشتار ملت فلسطین به دست اسرائیل نقش آفرینی می‌کند اما همزمان داعیه دار تلاش برای بازگرداندن صلح به این سرزمین است.

از طرفی درب‌های انبارها مهمات خود را برای تسهیل در کشتار کودکان فلسطینی بر روی اسرائیل باز می‌کند و از طرفی خود را حامی حقوق بشریت معرفی می‌کند.

مالیات‌های مردم آمریکا را برای حمایت از جنایات و اشغالگری اسرائیل به طور رسمی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، اما با دعوت از یک فرد، چهره یک بی طرف را به خود می‌گیرد.

و اکنون، دونالد ترامپ، فردی که نه دموکرات‌ها و نه جمهوری خواهان در آمریکا علاقه ای به حضورش در کاخ سفید نداشتند و تنها با حمایت از صهیونیست این فرصت را پیدا کرده است، چگونه ممکن است به اسرائیل پشت کرده و نه این که طرف فلسطینیان را بگیرد، بلکه طرف حقیقت را بگیرد؟! را

بگذریم از این که خود ترامپ در ابراز عقیده ای که ذاتش را نشان می‌داد حتی سیاست تقسیم سرزمین اشغالی به دو کشور را هم رد کرده و خواستار ایجاد یک کشور زیر پرچم اسرائیل بوده است؛ هر چند تقسیم دو کشور نیز عادلانه نیست و حق آزادی کامل کشور فلسطین است.

این گونه بازی‌ها فقط برای بازی بچه گانه و رسانه ای مطلوب است و ان چه واقعیت را نشان می‌دهد، خون مردم فلسطین است که آثار ان تا ابد بر روی دست‌های آمریکا باقی خواهد ماند.

نظرسنجی‌های ناکام برای رسانه‌های آمریکایی

هر ساله در اواخر سال و در آستانه ورود به سال جدید رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا اقدام به برگزاری یک نظرسنجی برای تعیین شخصیت آن سال از نگاه مخاطبین خود می‌کند.

در اواخر سال ۱۳۹۵ نیز ما شاهد برگزاری این نظرسنجی بر روی پایگاه اینترنتی رادیو فردا بودیم که البته نتایج آن بار دیگر همانند گذشته یک شکست و ناکامی بزرگ را برای این مجموعه و دست‌های پشت پرده‌اش رقم زده است.

در این نظرسنجی تعداد آرای مخاطبین باعث شد تا فردی مانند "شیرین عبادی" که یکی از شناخته شده ترین چهره‌های ضد انقلاب محسوب می‌شود، جزو نفرات انتهایی جدول شخصیت‌های سال قرار بگیرد. "نرگس محمدی" نیز که تداوم دهنده مسیر عبادی در داخل ایران بوده و پرونده ای قطور در رفتارهای ضد انقلابی داشته و البته محبوبیت بالایی هم در رسانه‌های ضد ایرانی مانند رادیو فردا برخوردار است، شخصیت دیگری است که نامش در انتهای این جدول به چشم می‌خورد.

مینو خالقی، علی مطهری، محمود صادقی که هر کدام به نوعی بهانه سازهای رادیو فردا در تداوم بخشیدن به دشمنی با نظام جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند هم افراد دیگری هستند که به انتخاب مخاطبین در انتهای این جدول قرار گرفته‌اند.

اما در مقابل علی اکبر هاشمی رفسنجانی و آتش نشانان پلاسکو که نزدیکترین گزینه‌ها به سیستم جمهوری اسلامی در این لیست بوده‌اند، در صدر جدول شخصیت‌های سال ۱۳۹۵ قرار گرفته‌اند که ناکامی را برای رادیو فردا به دنبال داشته است.

اما این اولین بار نبوده که رسانه‌های فارسی زبان وابسته به کاخ سفید در بهره برداری از نظرسنجی‌های خود ناکام مانده است؛ پیش‌تر نیز صدای آمریکا با راه اندازی نظر سنجی پیرامون رفع حصر تلاش می‌کرد تا در راستای رفع حصر اقدامی انجام دهد، مخاطبین این رسانه، جواب محکمی به آن دادند. در حالی که مخاطبین صدای آمریکا عموماً از منتقدین نظام تشکیل شده‌اند، اما نتایج نظر سنجی حاکی از آن است که حتی منتقدین جمهوری اسلامی هم معتقدند ادامه حصر سران فتنه ۸۸ به معنای مورد لطف قرار گرفتن آنان از سوی نظام است. صدای آمریکا در این نظر سنجی پرسیده است: "شش سال از حصر خانگی موسوی، کروبی و رهنورد گذشت؛ چرا حکومت از محاکمه آن‌ها خودداری می‌کند؟" ۹۰ درصد رأی دهندگان این نظر سنجی، ۹۰ درصد رأی دهندگان این نظر سنجی گزینه "حکم آن‌ها سنگین است و حکومت به آن‌ها لطف می‌کند" را انتخاب کرده‌اند. تنها یک درصد گفته‌اند که: "حکومت نمی‌داند با آن‌ها چه کند؛" و ۹ درصد به گزینه "حکومت توان محاکمه آن‌ها را ندارد" رأی داده‌اند.

آنچه در بالا خوانده‌اید، یکصد و چهل و یکمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز است که همانند هفته‌های پیشین با عنوان "رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!" منتشر گردیده و در این شماره به بررسی خلاصه وار بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارشات این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در چهارمین هفته از اسفند ماه ۱۳۹۵ (۲۴ الی ۳۰ اسفند ماه ۱۳۹۵) پرداخته است.